

Grafting of truth whit examples, sample and principal

هرمنوتیک علم مفید

Hermeneutic of usefulness science

قسمت اول

Part one

انسان چون یک موجود حقیقی است ، لذا حق خود میداند که با ذات حقیقی خودش ، یعنی با موضوعات حقیقی مواجه شود ، او حقیقت را فهم میکند و از حقیقت لذت میبرد ، بهمین دلیل هیچگاه رو بات نمی تواند جایگزین انسان شود حتی بطور بخشی ، چنانکه یک خانه مجازی نمی تواند جایگزین خانه حقیقی یا خانه واقعی – حقیقی شود ، بنابراین بانام گذاری نمی توان حقیقت را فاش کرد ، حقیقت فهمیدنی است و این فهم از طریق قوای حقیقی انسان ، فهم میشود و نه فقط با دستگاه حسی محدود ، نه با ریاضی و محاسبات عقلی ، نه با آنالیز های حسی – ابطالی ، و نه با سخنرانی و شعار دادن ، بلکه با حقیقت حقیقت شناخته میشود .

As Human who is a truly existent, then he knows the self- truth and he likes to meet whit truly things alike inner identity, therefore, he understands the truths and enjoy to meeting of them, in this reason, robot never can be instead human being at all, even any part of human for understanding, in the event that, a figurative house can't be instead the truth house or reality- truly house, then, it can't discover truth by nominated it, truth is understandable from truly potentials of human being and not by the limited senses system , not by the mathematical processing and mental surveying , not senses- falsehoods analysis and not by a lectures and slogans , but be acquainted whit truth of truth .

هر چیز که در روی زمین است برای انسان است ، خداوند متعال ، فرشتگان و اهالی آسمانها، خدایان خیالی و موجوداتی که در سایر کرات از این جهان هستی هستند ، نیازی به کره زمین و ثروت آن ندارند ، هر چه هست مال انسان روی زمین است این یک اصل تام است ، و یک حقیقت تامه است ، و هیچ کس حق ندارد ، زمین را و یا بخشی از آنرا ارث خود بداند ، مگر قسمتی از زمین و یا جزئی از ثروت زمین بر حسب قانون به فردی تعلق بگیرد ، این متعلقه اعتباری است با امحای اعتبار مربوطه ، این متعلق نیز از وی گرفته میشود ، تعلق حقیقی چیست ؟ تعلق حقیقی ، آن تعلق است که انسان حقیقی ، نسبت بدان تکلیف دارد و یا از طریق مکلف واسطه ، به او تعلق میگیرد ، ذاتی و یا عرضی ، ، تکالیف واجب و یا کفائیه و هر تکلیفی که به نحوی از انحاء به متعلق نسبت پیدا می کند .

Everything those it existed on the earth is belonging to human being, exalted God, angels and inhabitants of the sky , fanciful Gods and also beings those are in the other spheres of this existence don't need to give the earth and its treasures , whatever is on the earth belongs to human being legally, this is a complete principal and a completed truth, and nobody doesn't right to take earth or a part of it , unless by validated law truly , in that manner whit nominal law that by effaced this valid nominal law , this belong will be false and he/she has no right to take it and it is as forcible possession , then what is truth belonging of asset ? The truth belonging of asset is belong that human has duty related to this asset and or a way of intermediary who has duty about this matter , identity or transversal duty , necessary duty or acceptable duty and other duties .

بنابراین ما اجازه ترک تعلقات نداریم ، یک نفر عارف بگوید من چیزی از این دنیا نمی خواهم فقط تعلقات من به خداوند متعال است ، اوچنین اختیاری ندارد ، چون مکلف به آموزش خود و خانواده اش است و باید بر حسب تکالیفش برای خود و اعضای خانواده شغل داشته و مایحتاج زندگی را فراهم کند ، پس ترک تعلقات یعنی فرار از مسئولیت ها ، عدمیت سهم انسان حقیقی از حقایق زمین ، چرا که زمین خود حقیقت دیگری است که به انسان تعلق دارد که فقط مربوط به تصرف اعتباری و ظاهری آن نیست ، یعنی این گونه نیست که اگر یک فرد دارای یک مقام است ، باید دارای املاک باشد ، و با کسی که دارای یک سند ملکی است ، حتماً ملک را دارا است، این تصرفات تکلیف در قبال متعلق نیست ، اگر دارای یک خانه واقعی – قانونی بوده که تصرف کرده و قبض ید کرده است ، نسبت بدان تکلیف دارد ، و با داشتن یک خانه ، سهم حقیقی خود را از زمین دریافت نکرده و به سهم کامل خود دست نیافته است ، سهم انسان از زمین ، سهام متنوعی از زمین است مثل برخورداری از سلامت ، برخورداری از زندگی زناشویی ، برخورداری از فرزند ، از آموزش و هر سهم حقیقی دیگر ، و درمقابل تمام این تنوع سهام ، تکالیف متنوع دارد ، و نیز حق برخورداری از آنها و این برخورداری در تقابل و تعادل تکلیفی او معین میشود و این تعامل ، نمونه را با اصل میرهن میکند و اصلیت تنوع را در جریان حقیقت مستدل می سازد ، پس بپذیریم که ترک تعلقات غلط است ، بپذیریم که متعلقات دارای تنوع هستند ، بپذیریم که تکالیف در قبال این تعلقات متنوع ، نیز متنوع است و تنوع یک اصل است .

Therefore, we haven't permission to retire for abandoning of dependences, a anchorite- man claim that he has not anything in the earth , he hasn't permission about thus matter , because, he has duty front him and in front of his family , then ,withdrawing of dependences is means: escaping to accept of responsibility, or any abandoning of dependences it means: none- existence the truth shares for human being of the earth, for the reason that earth is an truth for belonging of people and not creditable and seeming possession, but this possession should be truly and having a proof duty in front of real possession, now, this owner has duty

in this regarding to his asset (for example : house) , but it is not the all his share of earth , he is entitled for having house, health , living , children , training , and so on , and in alongside of these diverse hares , he has equal diverse duties , equal to equal , one to one , equivalent and complementary is a truth too.

به کسی که حق او از سهام حقیقی داده نشده است ، نمی توان او را به تکالیف نامتعادل و بیش از توان تولیدشده وی که استیفاء نیافته و ادار کرد ووی را به تکالیفی ملزم نمود، که هنوز به او توان ذیربط داده نشده است و اینگونه تکالیف والتزامات شاق، نوعی از مظالم متنوع ستم کاران در روی زمین است که حقیقت انسانیت ، مانند یک مغناطیس قوی ، آنرا درک میکند، به تجزیه وتحلیل ریاضی گونه وپردازش های کامپیوتری نیاز ندارد ، نمی توان این مغناطیس قوی را که بر زمین احاطه دارد را با سخنرانی محو کرد ، انسان حقیقتی است که با ماوراء حقیقی زمین و جهان ناشناخته ها ، رابطه دارد ، هر ذره از ذرات بدن انسان ذرات این جهان در تماس و رابطه است ، قانون ومقررات ، وهر روش ومنش که با تعامل با این حقیقت، در تناقض وتضاد باشد ، حقیقت انسان این تناقضات را درک کرده وبه تمام ذرات وجودش مخابره میکند، این همه معلولیت ، با یک نسخه مداوا نمی شود.

One who that can't take his/her right of truth shares, it cannot be obliged him to unequilibrated duties and more than his unfulfilmented ability, such these duties are hard, difficult, unpleasant, also, these duties are a kind of diverse injustices on the earth that truth of humanity understands like an attractive power magnetic tension , that it cannot be meet by the manner of mathematical analysis or by computing processes , it cannot be to wipe out this power magnetic tension by lectures, human is a truth who has connection whit truly beyond of earth and unknowns of the world, any minute particle of human's body has get to related by these effective to intelligential worldwide,s essences, and every law , regulation , method or manner those it be contradictory whit these truths , the truth of inner of human understands these contradictions and it is massaging this understanding to all his/her- self minute particles and these all weaknesses not be care by a medical prescription.

آزادی انسان باین معنی نیست که بدون تکلیف و وظیفه داری ، در همه چیز حق تعلق دارد ، آزادی در آن تعلق است که باید بدان تعلق حق دارد ، تمام تعلقاتی که انسان شایسته دریافت آنست و این همان حقیقتی است که رضایت انسان به درجه نفوذ آن درجان انسان تعریف میشود ، وجامعه حاصل از انسانهای راضی ، به مراتب خوشبخت تر هستند درجوامع غربی ، لذا اگر می خواهید بازار رقابتی را به مشارکتی تبدیل کنید ویا بازار اقیانوس آبی را تاسیس کنید ! ایده هائی خوبی هستند ، بشرط اینکه این بنیان ها وملاک ها را فهم کرده وبه آنها عمل کنید ، البته بازار حقیقی وبا جریانی سالم بوجود خواهد آمد وبطور طبیعی ساختار می یابد، که ملهم از ذات حقیقی انسان است،یعنی انسان خود را در بازار خودش حس

میکند نه بازار مکاره که تبلیغش دروغ است ، تضامین کالا نادرست است، استاندارد و صدها نکته دیگر ولجستیکی دارد از انبار کمپانی های بزرگ به انبارهای منازل مردم ، و یک عده کثیر در جهان بدون خانه از این لجستیک بی رحمانه نصیبی ندارند و عده ای که خانه دارند و کمد ها و قفسه ها و زیر زمین های خانه آنان ، سرریز از کالائی یک بار مصرف میباشد و گاهی مصرف نشده و بخاطر افادگی ، آزادی انسان و اختیار انسان در قبال تکالیف نظیر به نظیر اوست در قبال حقیقت ، حق او برای ولنگاری و رهایی از همه تعهدات اجتماعی است ، بلکه این گونه آزادی انسان برای زندگی بشریت خطرناک است و باعث شده است که در قبال این اسراف گسترده ، بسیاری از مردم جهان بدون خانه ، لباس ، غذا و زندگی باشند ، حالا شما می خواهید که بازار اقیانوس آبی تاسیس کنید!

The liberty of human doesn't this means, which he has freedom to takes any right without duty and responsibility! But he should be appropriated for receiving the dependent that is his right, in this direction way, everybody can receive his right, indeed this is verily the same right that should take it truly and in this likeness, it becomes to vindicate of people's rights and it becomes to obtain of people's satisfaction by high coefficient of influence in community, and this society is so much more lucky than horizontal community in the western societies, therefore, if you want to change the competitive markets into participial markets or establishing blue ocean markets , those are good ideas , on the condition , understand these basis and criterion and then act to these basis and criterion truly, of course, will be born the truth market and whit a healthy current that it will build a suitable structure naturally, that it is inspired from identity of truth humankind , they will sense their markets , not disagreeable markets by falsehood advertising , incorrect guarantee and warrantee, by having like logistics those deliver goods from companies – stores to homes – stores and cupboards and basements of houses are full of clothes , shoes, hats , and so on , used one time or unused no time , and lavishment to lavishment and you say : this a good economy! Then this liberty of human is dangerous for living, for future of human being, for future economy, and so on, because, there are a huge people are without house, without clothes, without enough foods, without and without living! Then you want to build a big blue ocean markets !What for ?Then, where is truth? , where is humanity?

پس تا اینجا فهم کردیم که دوگونه تنوع داریم که یک بیک در تقابل با هم هستند و نظیر به نظیر در تعامل هم ارزی (به عنوان یک اصل) با هم ، نباید شیئی موجود که خواهان مزدوج خود است ، در مقابل "تهی" قرارگیرد ، تهی دستان هوشمندانه این نظایر را فهم کرده و آمارهای دروغین ، آنها را بیشتر ناراحت میکند ، فقر است ، دلیل فقر ، قصر پروازی است ، دلیل چپاول گری (به تصویری که در انتهای این نوشته آمده است نگاه کنید)، این نشانه ها ، این تهی ها را افشا می کنند ، این فهم دمکراسی حقیقی است ،

انسانی که از زمین، حق سهام متنوع دارد وزمینی که متنوع است ، دومجموعه در تقابل وتعامل با یکدیگرند وتعالد زمین را تعریف می کنند وانسان که در حقیقت خودش ،عیار وملاک همه این تنوعات حقیقی است ، با ذات وجودی خویش ، این حقیقت را درک کرده ودر صورت برخورداری مکلفانه ، تمام وجودش رضایت حاصل میکند .نه یک ویا چند عضو معدود، که به غلط در جامعه موازی تعریف میشود، بلکه با تمام وجود ، واز اینجا میتوان فهمید که خواستن وفرخواستن های انسان ، در جریان حقیقت وحق خواهی ، خود یک حقیقت است ، یعنی نیازبرای یافتن حقیقت (حقیقت حقیقت)،متنوع وتنوع آنرا انسان درک میکند وبرای استیفای حقوق خود تا پای جان ایستادگی می کند وحماسه می سازد وقیام میکند وهرگونه متن درسی ، قالب بندی ، صورت سازی که حاوی این حقایق متناظر نباشد با هر رنگ وبو از سوی هرکس وهر قدرت، پذیرش نمی شود ابداً.

Then, we understood that we have two kinds of diverse those that is opposable one to one and equal to equal at reaction of equivalence together, let there not be the existence thing (for example in coupling two equivalent things) settles whit nothing to meet for satisfying, indigents understand these similar things warily and wrong statistics make them unhappy more, this is poverty, reason of poverty, this is fly- castle too, reason of plunderer (see images under this written) , therefore, these signs show us these nulls (nothings)and it is truth democracy , indeed , human has itself diversity criterion, and he becomes to satisfy of enjoyment with a specified duty by self-unitism, and from this point , can be understand that wanted and behind wanted humankinds , indeed .it is a truth in current for searching of truth, it means :it is searching to find truth (truth of truth) , variously and human understand this various and for demanding his/her right , will stay till give him his life , he makes epic, poem , revolt and insurrection and any lecture, lesson , framework , forging of portraiments by any color , anybody and any power , is not acceptable at all.

بیک نمونه واصل که از حقیقت مایه میگیرد ، توجه کنید ، ازدواجی بین یک مرد و زن بوقوع پیوسته وحاصل آن بلحاظ زناشویی ، انعقاد یک نطفه است که پس از نه ماه واندی ، فرزندی متولد میشود ، فعلاً به موضوع حق واستیفای حقوق این زوج در موضوع وماهیت ازدواج وشرايط نطفه بستن وبطور کلی ، هرگونه اقدام درست ونادرست ،قبل از انعقاد نطفه کاری نداریم واین بخش از دعاوی را به بعد موکول می کنیم ، توجه ما فعلاً متوجه جنینی (بچه) است که درحال تکامل بوده وبصورت علقه به سقف رحم مادر آویزان شده وقرار گرفته ومراحلی را میگذراند ، تا زمانی که ساختمان بدن وی کامل شده وهنگام ولادت او سر برسد ، آیا این کودک در این مدت تکلیفی دارد ؟ آیا می تواند تکلیف ومسئولیتی را به عهده بگیرد ، بدیهی است که هیچ عاقلی برای این موجود ناتوان در عین حال ذی حق بودن آن، تکلیفی قائل نیست ، این بچه مثل همه بچه های در بطن مادر از نظر حقوق وسهمی که از زمین دارند، یکسان هستند، یعنی اصل تساوی حقوق برای کلیه افرادی که ناتوان هستند وحق حیات دارند ، به غذای لازم ، بهداشت لازم ، محیط

زیست لازم ، آب و هوای لازم و صدها ملزومات دیگر نیاز دارند ، عدم وجود این ملزومات و محروم ماندن این طفل بی گناه ، تکلیفی است بر عهده پدر و مادر ، بشرط اینکه والدین وی قادر به تامین مایحتاج این کودک باشند ، بسیاری از والدین بدلائل گوناگون ، نمی توانند شرایط یکسان و عادلانه را برای طفل در بطن مادر را فراهم کنند ، علل ناشی از عدم یکسان بودن شرایط یکسان برای بچه های در بطن مادران که حق حیات مساوی دارند ، خیلی زیاد است و این درحالی است که بعضی از فیلسوف نماها و استراتژی باف ها ، با طرح اقیانوس آبی ، می خواهند بازاری بسازند که نظیر بازارهای خصمانه امروز نباشد ، نیازی نیست ، من سوال می کنم کدام کمپانی ها به مشتریانانشان با این مهربانی و شفقت نگاه کرده اند ، شما شرکت های ماندگار جهان را از این بابت بررسی کنید ، جواب من را خواهید یافت ، حقیقت و حقوق حقه انسان با استراتژی و ساختار و آنالیزهای مدیریتی فعلی حل نمی شود حقیقت و حقوق حقه انسان ها امری ثابت و جریانی دائمی است ، بعضی ها در هر زمانی موفق هستند ، و موفقیت آنان اینست که بازار ملک و جزء متعلقات آنان نیز نیست ، بازار مانند خود زمین ، متعلق به همه انسان ها است و باید بازاری باشد که به فکر بچه داخل شکم مادران بطور عادلانه نیز باشد، حداقل از تکالیف کفائیه است ، هر شرکتی که این چنین عمل کند ، تولیدش در انبارها نخواهد ماند و ماهیت لجستیکی آن بسوی ابزار های تسهیل کننده برای مردم ، تغییر می میکند ، این یک حقیقت پنهان است ، که بعداً روی آن صحبت خواهیم کرد.

Pay attention to a sample and base it on that arise of truth, it is a child (embryo) in the mother's womb that needs many things without having duty or responsibility about this matter, does this child can accept any responsible, off course not at all, but this child has a share of food, hygiene, clothes, living and so on, then all children in the his mother's womb be the same and without any duties front of government and its systems, not free- markets , not company- stores to house-stores , not blue ocean markets, not ,not and not , only governments those that should littlized itself and propagate the private sectors , and on this earth , that must every children drink milk from breast of their mothers(mostly without milk) , many huge poor mothers in many places on the earth with inabilities and weakness governments , at this present time , you discourse about valuable free-markets , clusters by mass production , making of aircrafts as fly- castles ,and so on , and walling between poor people and transgressors of the earth , the millions of the children have remained without necessities for living on the earth, these problems are duties for all rich men of the world and they are responsible for distributing riches between humankind (distributive righteousness), then, will establish a suitable blue ocean markets , this is a hidden truth that becomes evident gradually .

این بحث ادامه دارد، در قسمت دوم ملاحظه کنید

This discuss is continuing, refer to part 2

تفاوت فقر وچپاول گری

Different of poverty and plunderer



تصویر حقیقی فقر جهانی

The image of global poverty in truth



فقر درگینه نو

Poverty in New Guinea



تصویر فقر در افریقا

Poverty in Africa



Parsine.com

تصویر فقر در آسیا

Poverty in Asia



فقر مزمن
در اتحادیه اروپا

تیم
گروه
بین الملل

تصویر فقر در اروپا

Poverty in Europe



تصویر فقر در آمریکای شمالی

Poverty in USA



تصویر فقر در امریکای لاتین

Poverty in Latin America



تصویر فقر در استرالیا

Poverty in Australia

این جت شخصی یک قصر پرنده است !

This is an expansive Private fly castle jet!!! (65 million UDS\$)

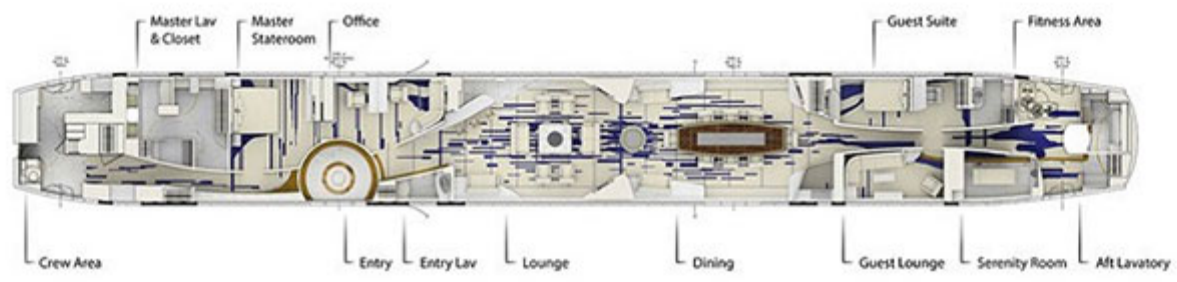
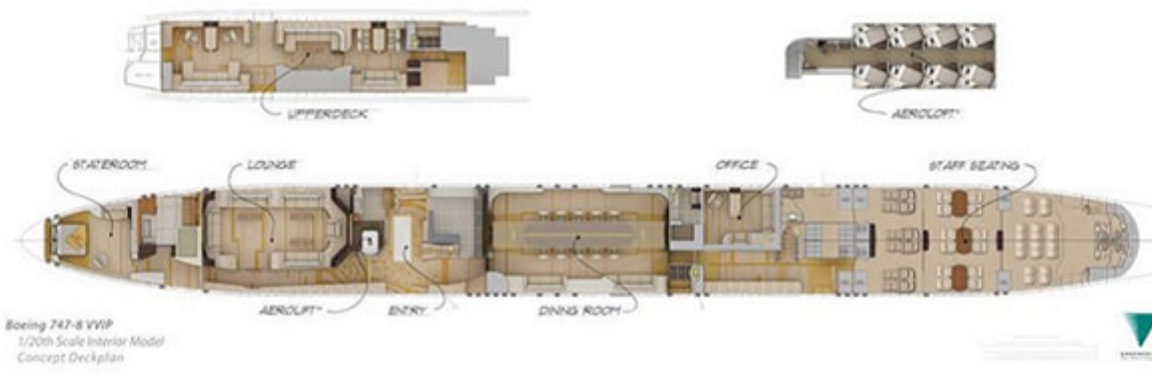
این جت شخصی بدون شک قصری پرنده بر فراز آسمان است. فضای داخلی این بوئینگ بصورت کاملاً VIP طراحی شده است. برخی از مشخصات خاص این هواپیمای لوکس شامل سقف با طراحی چندلایه، پلکان چرخشی، صفحه‌نمایش بر روی دیوارها است. قیمت تقریبی این هواپیمای شخصی 747 چیزی در حدود 65 میلیون دلار است! یعنی نزدیک 280 میلیارد تومان











B787-9 Deckplan





